

تافته سوا پافته

درباره مطبوعات مستقل و مؤلف

گفت و گوها و مقالات

پروپوز و پروپوز

انتشارات فرهنگ و سینما

۱۳۹۶

Tafteh sava bafteh

Matboote mostaghel va moallef

Parviz Samadi Moghadam

©2017 Farhang Va Cinema Press

Tel/Fax + 98936507765 Tehran-Iran

ISBN:978-964-7968-45-4

نام کتاب: تافته سوا بافته
(دوره مطبوعات مستقل و مؤلف)

نویسنده: پرویز صمدی مقدم

طراح جلد: پارسا سین

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۶ بهمن

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۴۵-۴

همه حقوق متعلق به نویسنده محفوظ است.

فرهنگ و سینما: تهران - تلن: ۹۳۶۵۰۷۱۶۶

بها: ۱۸۰۰۰ تومان

سرشناسی: صمدی مقدم، پرویز، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: تافته سوا بافته: درباره مطبوعات

مستقل و مؤلف گفت و آوازه: مقالات / پرویز صمدی مقدم

مشخصات نشر: تهران: فرهنگ و سینما، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص. ۲۱/۵×۱۴/۱ س. م

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۹۶۸-۴۵-۴ ۱۸۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: مطبوعات: مقاله ها و خطابه ها

موضوع: Press addresses, essays, lectures

موضوع: نشریات ادواری--مقاله ها و خطابه ها

موضوع: Periodicals--Addresses, essays, lectures

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ت ۸ ص ۴۷۳۱/PN

رده بندی دیویی: 070/4

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۸۵۸۶۱

فهرست:

۷	پیشگفتار
۱۳	فرهنگ دست ساز و سیاست زده به جای فرهنگ ناب خود ساخته
	فصل ها:
۵۳	۱- صنعت مطبوعات، مستقل یا وابسته
۵۹	۲- مطبوعات مستقل و چالش های نامیرا
۶۷	۳- بدال سرد ناپر ابر- نشریات مستقل یا نشریات وابسته
۷۳	۴- نگاه کنی، نمیشی کیفی- کدامیک؟
۸۱	۵- قدر و ستا بک- نشریه و گردانندگانش
۸۹	۶- جایگاه اعتباری نشریات و گردانندگان آنها
۹۹	۷- هویت شعلی، هویت صنعتی، زیر بناها
۱۰۷	۸- اینجا سرزمین رخداده ای نیست است - خانه مطبوعات
۱۱۷	۹- جایی برای خوشگذرانی با نشریات
۱۲۵	۱۰- نظارت بر کیفیت و روش های ارتقای مطبوعات
۱۳۱	۱۱- حذف غافلگیرانه امیدها و دلخوشی
۱۳۷	۱۲- زمانی برای آزمون و خطا نیست
۱۴۵	۱۳- مطبوعات تخصصی سینما و سازمان سینمایی
۱۵۳	۱۴- مطبوعات مستقل سینمایی و سرنوشت آنها
۱۵۷	درباره نویسنده - داستان یک ماهنامه

در سال‌های نخستین دهه ۱۳۹۰، زیر پوست چاپ و نشر مطبوعات، تحولاتی انجام گرفت که باعث شد در سایه‌ای از سکوت و آرامش، نشریات خرد و مستقل وارد سربازیه بسیار دشوار و ناآشنایی از حیات فرهنگی و اقتصادی خود شوند و شماری از آنها ناچار به تعطیلی کشیده شدند. البته روند این دگرگونی با مسائل اقتصادی کشور و وقایعی نظیر گرانی‌ها و تحریم‌ها و افزایش قیمت کاغذ و افلاک چاپ و ... بی‌ارتباط نبود، اما تصمیم‌ها و برنامه‌ریزی‌های مدیریت جدید مطبوعاتی نیز نقش عمده‌ای را در فراهم کردن زمینه‌های این بحران ایفا کردند. به دفع یک بینش خاص فرهنگی و حتی غیرفرهنگی بر نابسامانی مزمن مطبوعات کشور دامن زده و این وضعیت را مدت‌ها مدیریت یا به قول امروزی‌ها مهندسی کرد! از جمله مواردی که در این بینش مشاهده شد (که البته برخلاف ادعای صاحبان آن چندان نو و بدیع هم نبود)، تمرکز بر فرق نگذاشتن میان مطبوعات کوچک و مستقل با دو گونه دیگر مطبوعاتی

یعنی واحدهای وابسته یا تحت حمایت دولت و بنگاه‌های خصوصی صاحب نشریات ارگانی، تجاری یا زنجیره‌ای بود.

مطبوعات مستقل و کوچک در کشاکش نابسامانی‌های تولید و توزیع، با مساعدت‌های نسبی دولتی با عنوان یارانه یا کمک‌های عام و خاص نقدی و غیرنقدی تا این زمان توانسته بودند سر پا مانده و به حیات خود ادامه دهند. اما بعد از اعمال این سیاست‌ها (که مهمترین بخش آن حذف یارانه‌ها، مطبوعات ضعیف و بی‌نظمی در پرداخت گه‌گاهی اندک کمک بود) و با افزایش مالیاتی تورم و چند برابر شدن هزینه‌ها، این نشریات به جای برخورداری از حمایت‌های جبرانی متناسب با شرایط اقتصادی تازه، یکباره و بدون اطلاع از بهر سیاست‌ها تقریباً به حال خود رها شده و یکی یکی چون برگ‌های درختان درختان می‌ریختند!

با بالا رفتن هزینه‌های کاغذ، چاپ و... بهای تمام‌شده یک نشریه چند برابر شده و این در حالی بود که مطبوعات در زمره معدود تولیدکنندگانی هستند که هرگز نتوانسته‌اند و تمایلی هم ندارند متناسب با رشد تورم و افزایش قیمت‌ها، حتی بهای تمام‌شده کالای خود را به همان قیمت مجله در روی جلد قید کنند چرا که اصولاً در سید مصرفی بازار قرار ندارند و در رده اولین اقلام قابل چشم‌پوشی برای خرید و مصرف هستند.

با این حساب، فشاری که بر مطبوعات مستقل وارد آمد، سابقه نداشت و عجیب این‌که حجب و حیایی که دوستان مطبوعاتی نشان می‌دادند (همان "تجابت مطبوعاتی" مألوف و دوست‌داشتنی!) باعث شد تا این فکر بر اذهان مدیران خطور کند که "همه چیز روبه‌راه است و هیچ مشکلی در کار نیست!" هرچند تحمل دوستان نامحدود است و با کوتاه آمدن و ادامه دادن راه به هر ترتیبی هم خو گرفته‌اند، اما این به هیچ وجه از

تکلیف و وظیفه مسئولان و متولیان نمی‌کاست. به‌راستی که پشت یک ظاهر خوش آب و رنگ و آمارهای خشنودکننده از تیراژ و فراوانی‌های عنوان نشریات درشت و غیرمستقل نمی‌شد پنهان شد. یک پیکره سالم و تندرست را کیفیت می‌سازد نه کمیت. نیازی به بررسی چندانی نیست تا پی ببریم در عرصه مطبوعات وابسته از هر نوع، امکانات و حمایت کمالات نامحدودی وجود دارد که نگرانی و دغدغه خاطری باقی نمی‌گذارد. برخی از آنها می‌توانند هر هفته شماره‌ای با سیصد چهارصد صفحه، روزی مرعوب‌ترین کاغذها، با بهای نازل منتشر کنند و برایشان چیزی به نام تناسب هزینه و درآمد یا بازگشت سرمایه و سود مطرح نیست. وقتی دفتر نشریه‌ای از این نوع، در ساختمانی قرار دارد که اگر اجاره داده شود ده‌ها برابر درآمد فروش آن نشریه به دست می‌آورد، چه جای رقابتی می‌ماند با مجله‌ای که در دادن باره سروقت بیغوله‌اش مشکل دارد؟ هنگامی که تمامی امکانات برای گردش تبلیغات از موسسات و شرکت‌ها در انحصار بعضی نشریات صاحب نفوذ باشد، وقتی ذائقه مردم با نشریاتی پرزرق و برق پرورش داده می‌شود، طبعاً در این شرایط رقابت بسیار ناعادلانه‌ای میان مطبوعات خورده یا مستقلاً با مطبوعات سرمایه‌گذار وابسته ایجاد می‌شود که حاصلش جز از گردهم‌آوردن و تاراج شدن نشریات کوچک و مستقل نیست.

و اما مطبوعات مستقل چه اهمیتی دارند و چرا باید به آنها توجه ویژه داشت؟ با شناخت بهتر مطبوعات کوچک به تفاوت مهمی میان مطبوعات مستقل، از منظر محتوا و روش کار، با مطبوعات کلان پی می‌بریم. در مقایسه‌ای پایاپای می‌توان تفاوت مطبوعات مستقل را با سایر مطبوعات مانند تفاوت در سینمای بدنه (تجاری) با سینمای

مؤلف (فرهنگی) دانست. مطبوعات مستقل مانند سینمای مؤلف، در ذات خود، گرایش به مفاهیم دارند و تولیدکننده آثار و پرورش دهنده مؤلفان مستقل و صاحبان آزاد اندیشه هستند. البته بر این باور نیستیم که مطبوعات تحت حمایت یا وابسته، روزنامه نگار و مؤلف و اندیشمند پرورش نمی دهند ولی نوع آثاری که مطبوعات مستقل می آفرینند و منتشر می کنند با نوشته هایی که در مطبوعات کلان روزانه با ویژگی پاستوریزه، سفید، سی یا سرگرم کننده و مردم پسند چاپ می شوند فرق بسیاری دارد. ما عنصر همه نوع نشریه ای (حتی نشریات زرد) را در فضای مطبوعاتی کشور داریم و بعضاً مفید می دانیم. بحث در تفاوت ماهوی این دو گونه رسانه رشتنی است. نشریه ای که هنوز بعد از بیست سال نتوانسته است برای نشر امکانات لازم را فراهم کرده یا دفتر کاری تهیه کند ثابت می کند که به نگاه و روش خاص و برگشتناپذیر خود در کلیه معادلات و مناسبات رایج پایبند است و اگر قرار است همانند در شرایط کنونی بدون حمایت ویژه نخواهد ماند.

برای تبیین حساسیت موضوع از این پس به جای "نشریات مستقل" عنوان "نشریات مؤلف" را به کار می بریم و تأکید ما بر این است که هیچ شخص یا ارگانی حق ندارد یک نشریه مؤلف را در کنار نشریات زرد، تجاری، ارگانی، تبلیغاتی و سرگرم کننده قرار داده و برای سر نوشت همه اینها همزمان یک تصمیم را اتخاذ کند. این نشریات به عنوان آثار مرجع، سرچشمه پژوهش ها، رساله ها، برنامه ریزی های آینده و... هستند. آمار مراجعه به چنین نشریاتی در مراکز اسناد و کتابخانه ها مؤید این نکته است.

پشتیبانی یا پشتیبانی نکردن از نشریات مؤلف و مستقل باید

حساب شده و از روی شناخت صورت پذیرد در غیر این صورت این نشریات یا حذف می شوند یا برای بقا دست به هر کاری خواهند زد و پوچ نگاری در پس ظاهری فریبنده ولی بی مایه و بیمار در قلمرو رسانه های نوشتاری فراگیر می شود. بر این نکته تأکید می کنم که مطبوعات مؤلف و مستقل برخلاف نشریات عمومی و سرگرم کننده یک شبه به وجود نمی آیند. سال ها طول می کشد تا ساختار این نشریات با جهان به فرهیختگانی چند شکل بگیرد. چرا با تصمیمی کلی و ناگهانی بر سرنوشت بخش وسیعی از این مطبوعات تأثیر گذاشته شود، آنگاه برای ساختن دوباره این مجموعه چند سال باید انتظار کشید و این خلاء را طی این سال ها چگونه می توان کرد؟

تار و پود آثار نویسندگان در نشریات مستقل و مؤلف پرورش می یابند را عشق و تعهد، این افراد توقع دست مزد ندارند و نوشته هایشان را مثل روزنامه ها به دستمزد کلمه یا به سانی متر اندازه نمی گیرند. پس هرگز در ردیف "قسم به مزدان"، حقوق بگیران، "سفارشی نویسان" و نویسندگان "بی درد" قرار نمی گیرند. از این لحاظ استقلالی که در اندیشه نویسندگان نشریات مؤلف رجحان دارد، تنها در جایگاه ویژه ای که آن را تضمین می کند تأمین و حراست می یابد.

سیاست چشم بستن بر تفاوت ها و به عدالت رفتار کردن بر پایه ارزیابی ها و اطلاعات ضعیف و ناکافی و قطع یا کاهش یکبار ناگهانی حمایت ها تنها موجب از دست رفتن نیروهای ارزشمندی می شود که سال ها عمرشان را در این عرصه گذاشته اند. چیزی بدتر از این نمی توان تصور کرد که پس از این همه سال تلاش و از خودگذشتگی، آنها دست از پا درازتر به خانه بازگردند و از خود بپرسند برای چه عمری را در راهی

بی سرانجام تباه کرده‌اند؟

این گفت‌وگوها و مقالات به همین منظور و از سر دلسوزی به عنوان هشدار و بلکه پیشگیری به گرداندگان چرخ مطبوعات کشور که به ادعای خود با برنامه آمده بودند تا مشکل چندین ساله را یکشبه حل کنند و معه مطبوعات کشور را برای همیشه نجات دهند، در چندین شماره ماهنامه فرهنگ و سینما به چاپ رسید و به‌رغم تذکرات شفاهی و پیه‌نهاد هم‌دایان صادقانه و بی‌ریای نگارنده برای جلوگیری از آزمون و خطاهای تازه و دیگر کمترین ترتیب اثری به آنها داده نشد.

لذا بنا را گذاشتیم بر این که آنها را در یک کتاب گردآورم و به چاپ برسانم بلکه به عنوان شاهد و اسنادی از تاریخ مطبوعات معاصر برای آیندگان باقی بماند.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان، بخشی از شرح حال مطبوعاتی و فعالیت‌های رسانه‌ای نویسنده که از سوابق رسمی وی برداشت شده است و به صورت گفت‌وگو تهیه شده تحت عنوان زندگی سوم: داستان یک ماهنامه، در انتهای کتاب آمده است.

پرویز - مقدم - ۱۳۹۵